

یادی از بازار بزرگ تهران

تماشای تاریخ زنده

زیادی راهی این مکان شدند. در دوران فتحعلی شاه، یک مسجد جامع در حوالی بازار ساخته شد. با اینکه آن زمان محله‌ها برای خود بازارچه و بازار داشتند، بازار اصلی شهر از دروازه شاه عبدالعظیم تا مسجد جامع امتداد داشت. در همین دوران بود که بازار از سمت غرب و شمال غرب گسترش یافت و بازار مروی، چهارسوق بزرگ و کوچک و چهل تن ساخته شدند. بازار بین‌الحرمین در عهد محمدشاه قاجار به این بازار اضافه شد.

با روی کار آمدن ناصرالدین شاه، افزون بر سازماندهی ورودی‌های بازار، یک ورودی اصلی با عنوان «بازار بزرگ» طراحی شد. ساخت‌وسازهای زیادی همچون ایجاد سرای امیر، بازار امیر و بازار کفاش‌ها در دوره این پادشاه اتفاق افتاد؛ ضمن اینکه بازارچه‌هایی نظیر بازارچه معبر و قوام‌الدوله در اطراف آن ساخته شد. در نزدیکی بازار امروزی، تیمچه‌ها و بازارچه‌هایی وجود داشت که بقایای برخی از آن‌ها مثل تیمچه صدراعظم و بازار مروی هنوز وجود دارد.

بازار تهران علاوه بر اهمیت اقتصادی اش، در دوران قاجار و پهلوی نقش مهمی در تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشت. حضور پررنگ بازاری‌ها را می‌توان در دوره مشروطیت دید که علیه دولت ایستادند و با مردم همراه شدند و در مسجد امام تحصن کردند. در اتفاقات پیش از انقلاب اسلامی، کسبه بازار به مردم پیوستند و در این پیروزی دست داشتند. با گذر زمان و تغییر نیازهای اجتماعی، برخی بخش‌های بازار مثل بازار توتون‌فروش‌ها اهمیت خود را از دست دادند و برخی بخش‌ها مثل بازار زرگرها و حلبی‌سازها کوچک‌تر شدند. سه کاروانسرای تاریخی از جمله کاروانسرای «گلشن‌شکن» نیز در بازار وجود دارد که به مغازه و حجره تبدیل شده‌اند.

بازار بزرگ تهران درست مثل سایر بازارهای ایران از طاق‌های ضربی، راهروهای فراوان و باریک، گنبد و... تشکیل شده و با اینکه به مرور زمان دستخوش تغییرات زیادی شده است، هنوز هم برخی بخش‌های قدیمی و زیبایی آن پابرجاست. در این بخش‌های قدیمی می‌توانید شاهد طاق‌های ضربی و گنبدهایی باشید که به زیبایی هرچه تمام‌تر خودنمایی می‌کنند، به‌خصوص روزنه‌ها و سوراخ‌های موجود در طاق‌ها و گنبدها که هم نور فضای داخلی را تأمین کرده و هم به گردش هوا کمک می‌کنند.

بازار بزرگ تهران که حالا وسعت آن به حدود ۱۰۵ هکتار می‌رسد، سال ۱۳۵۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

شاه طهماسب در رفت و آمدهایش به شهرری برای زیارت حضرت عبدالعظیم (ع)، به تهران علاقه‌مند می‌شود و دستور می‌دهد حصار دور شهر بسازند که به حصار طهماسبی معروف شد. پس از آن، چهار محله در تهران تشکیل شد که یکی از آن‌ها «بازار» نامیده می‌شد. در آن روزگار خندقی بین شهر و قلعه حکومتی وجود داشت که در یک طرف آن بساط دک‌ها، حجره‌ها و دستفروشان به راه افتاد و بازار خندقی به وجود آمد که در عهد صفویه و زندیه با همین نام شناخته می‌شد و مورد توجه شاهان بود. بسیاری از پژوهشگران با تکیه بر همین حصار که در نزدیکی بازار تهران بوده است، هسته اولیه این بازار را در دوره صفویه می‌دانند.

با این حساب، بازار تهران، عمری به قدمت خود تهران دارد.

بازار تهران، یکی از مهم‌ترین بازارهای کشور محسوب می‌شود که آن را قلب اقتصاد ایران می‌دانند؛ زیرا بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در این محل رخ می‌دهد. این بازار که در بافت قدیمی تهران قرار دارد، یادگاری از عصر قاجار است که نه تنها برای گردشگران داخلی، بلکه برای گردشگران خارجی نیز جذاب و دیدنی است. افزون بر این، به لطف تنوع کالاها و قیمت ارزان‌تر، مقصدی عالی برای عاشقان خرید محسوب می‌شود.

بازار تهران همه چیز را در خود جای داده است؛ از سرا و تیمچه تا پاساژهای چند طبقه شیک، از رستوران سنتی تا فست‌فود، کاروانسرا، پیاده‌راه، کالسکه و... که هر نوع سلیقه‌ای را راضی نگه می‌دارد و به همین دلیل از قشر متوسط و ضعیف جامعه تا افراد ثروتمند گذرشان به این منطقه از تهران می‌افتد.

بازار امروزی تهران بقایای بجا مانده از دوران قاجار است؛ هرچند اختلاف نظرهایی راجع به زمان و نحوه ساخت آن وجود دارد. برخی بر این باورند که ناصرالدین شاه مؤسس بازار تهران است و عده‌ای آن را حاصل کار شاه طهماسب صفوی می‌دانند. سرتوماس هربرت، جهانگرد انگلیسی در سفرنامه خود از بازاری صحبت می‌کند که در عهد صفوی (۱۱۰۸ قمری) وجود داشته است و این‌طور به نظر می‌رسد که در این دوران بازار روباز بوده و سپس در زمان ناصرالدین شاه مسقف شده است.

با شروع حکومت قاجارها، تهران به عنوان پایتخت انتخاب و توجه به بازار بزرگ شهر نیز بیشتر شد. آقا محمدخان قاجار با بازسازی دالان‌ها، حجره‌ها و سایر بخش‌ها، به رونق این بازار کمک کرد؛ به طوری که فروشنده‌گان و خریداران



پارکینگ پروانه هر چند جای پارک نداشت؛ اما چرخ‌دستی‌ها اجناس مردم را تا پایین پارکینگ می‌آوردند. آنجا مردم به راحتی یا این سمت خیابان سوار اتوبوس، تاکسی، اسنپ و خودرو شخصی می‌شدند یا آن سمت خیابان سوار مترو؛ اما اینجا دسترسی به خودرو معضلی ۲۰ الی ۳۰ دقیقه‌ای است.

البته محسناتی هم دارد. سرویس بهداشتی بیرون غرفه‌ها هم بزرگ است هم تمیز. فضا هم بازتر و تمیزتر است.

اینجا حتی دیگر از آن غرفه مشهور فلافل‌فروشی و ظرف‌های سفالی بزرگ آبدوغ و قدح‌های شربت‌های خنک و ساندویچ‌های صبحانه خبری نیست و تنها یک چرخ در طبقه دوم در بیرون یکی از ورودی‌ها و چند چرخ بیرون این مجموعه برای خریدن خوراکی سبک خودنمایی می‌کنند.

یادتان باشد بازار پروانه همچنان رونق و جذابیت خود را دارد و بالاخره کسی دست خالی بیرون نمی‌رود. از جوانی که با دقت به صفحات گرامافون قدیمی گوش می‌دهد تا خانمی که قاشق‌های قدیمی را دستچین می‌کند تا دختری که از پدرش می‌خواهد لیوان‌های روسی که شبیه‌اش را در جای دیگر دیده، بخرد. بازار لباس هم هنوز جذابیت خودش را دارد. یکی کلاه می‌خرد یکی سارافون پشمی را پرو می‌کند. یکی هم مانند مرد قالیچه‌فروش، هفته سوم است که فروش نکرده؛ اما باید کرایه ۱۵۰ هزار تومانی غرفه ۱۲۰ سانتیمتری را بدهد درست مانند هفته‌های پیشین.

یکی مشغول خریدن سبدها و حصیرهای دستباف است یکی هم پشت گوشی از یکی از اهالی خانه می‌خواهد با متر، دقیق ابعاد میز را اندازه بگیرد تا مشخص شود پارچه قلمکاری انتخابی اش اندازه آن هست یا نه. یک فروشنده هم معتقد است برنده آن است که خود را با شرایط وفق بدهد. زمانی لباس می‌فروخته و حالا قاشق و چنگال‌های برنجی شکیل و مد روز که سر آن‌ها آراسته به هنر خوشنویسی است. بیرون دیگر از هیاهوی داخل خبری نیست. حالا یا آدم‌ها روی نیمکت‌ها نشسته و خریدهایشان را به دوستان و همراهانشان نشان می‌دهند یا محو تماشای ادوات جنگی موزه دفاع مقدس شده‌اند و با آن‌ها عکس یادگاری می‌اندازند. جمعه‌بازار عباس‌آباد هر چند جای پاساژ پروانه را نمی‌گیرد؛ اما همچنان تجربه‌ای جذاب برای یک روز تعطیل است.



نمای یکی از گذرهای بازار بزرگ تهران